علیرضا عالی بیگی
میانه

گزینه‌های پیش‌رو

نقل است که سال‌ها پیش، حاکمان صهیونیست پیامکی از سوی شیطان با مضمون ((شما نفرات بعدی هستید!)) دریافت کرده‌اند، بله، درست حدس زدید، شیطان تصمیم گرفته بود روح کریه خود را درکالبد رژیمی به نام اسرائیل به جهانیان نشان دهد.

مبارزه برای قدس مانند مبارزه بهشتیان با اهل جهنم است و فیلمنامه صحنه نبرد قدس و اسرائیل از قرآن برگرفته شده است؛ فیلمنامه‌ای به نام جهاد در راه خدا، جهادی علیه نمایندگان شیطان در زمین، فیلمنامه‌ای که بر اساس قرآن طرف پیروز آن مشخص است، طرفی به نام حق علیه باطل، طرفی به نام فلسطین.

می‌گویند در باتلاق هرچقدر بیشتر دست و پا بزنی، بیشتر فرو می‌روی، چه برسد به این‌که در باتلاق نفرت مردم گرفتار شوی، یعنی همان باتلاقی که این رژیم کودک کش در آن گرفتار شده و پناه بردن به رسانه و نشر پیام‌هایی با فنون اقناع کلیشه‌ای، نمونه بارزی از دست و پا زدن آن و نفرت بیشتر به جای طرفداری از اسرائیل حاصل معکوس پیام‌های رسانه‌ای آنهاست و این همان فرو رفتن بیشتر در باتلاق است.

شاید خداوند، خودش نمونه‌ای از شیطان را در زمین قرار داده تا بیلبورد یا رسانه‌ای برای اطلاع اشخاصی باشد که در خوابند؛ خوابی به نام جهالت و عدم اعتقاد به معاد و این دوگانگی کانالی به مدیریت خداوند و با اعضایی به وسعت جهان است که در آن پیامی در قالب نظرسنجی دو گزینه‌ای با سوال «کدام طرف را انتخاب می‌کنید؟» و با گزینه‌های حق و باطل وجود دارد. دو راهی روبه روی شما...

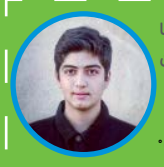

محمدرضا صادقی نیا
تهران

به تو از دور سلام

مادر سلام

می دانم که دوری‌ام برایت سخت است، اما بهتر است تو هم مانند من به این وضعیت عادت کنی. دیگر در و دیوار این زندان برایم مثل قبل نیست، انگار به آنها عادت کرده‌ام.

بعضی از شب‌ها خیلی به یادت می‌افتم، مثل الان که این نامه را می نویسم؛ هرچند می‌دانم به دستت نمی‌رسد. در سلول یک تخت دارم که هر چهار پایه‌اش را به اسم یکی زده‌ام. دو پایه جلوی تختم را، یکی به اسم تو کرده‌ام و پایه کناری آن را به اسم پدر. دلم از تنهایی که می‌گیرد می‌روم کنار پایه‌ای که به اسم توست می‌نشینم و با تو حرف می‌زنم. آی نگویم که چقدر کیف می‌دهد. آی نگویم که تخیلش هم چه زیباست برای من. جالب است بعضی نگهبان‌ها که مرا می‌بینند می‌گویند این پسر دیوانه شده، ولی خدا شاهد است تنها امیدم بعد از هر شکنجه و بازجویی همین پایه تختم است که بیایم و با تو حرف بزنم.

یادش به خیر! بچه که بودم از حیاط خانه همسایه‌مان شاخه زیتونی می‌کندم و وقتی تو از راه می‌رسیدی، با کلی خط و نشان کشیدن با من دعوا می‌کردی و وقتی بغضم می‌گرفت، مرا بغل می‌کردی و بوسه‌ای به دستم می‌زدی. الهی بمیرم برای بوسه‌هایت که هروقت از زندگی و زمان خسته می‌شوم، به دستم که جای لبان تو بود، نگاه می‌کنم حالم خوب می‌شود. این دنیا که نشد ولی در جای دیگر تلافی این دوران را در می‌آوریم. مطمئن هستم که آن روز می‌رسد.

(نامه‌ای خیالی از محمد مسعود، ۱۴ ساله از زندان‌های اسرائیل)

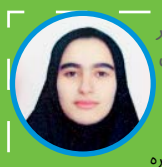

فاطمه زارع کار
املش

بزرگمردان کوچک

سال‌هاست خنده از چهره
کودکانش فرار کرده است
ببخشید اشتباه شد
کودک لفظ درستی برای مردان آزاده و
شجاع کوچک فلسطین نیست!
آینده‌شان در گرو گلوله‌ای است که درون
تفنگ جا خوش کرده است و هر لحظه
می‌تواند آن را پایان دهد
دست کودکی که میان شرارت دنبال
اجساد هم‌بازی‌هایش می‌گردد
و مادری که تن بی‌جان فرزندش را از دل
آوار بیرون می‌کشد
و کودکی که دیگر دستش به مادرش
نمی‌رسد
گویی شادی از آنها روی برگردانده است
چه می‌توانم بگویم؟!
جزء اندکی صبر، سحر نزدیک است...

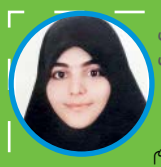

عطیه ضرابی
تهران

رنج مقدس

رو به روی تابلوی کوچکی می‌ایستم.
فضای وهم آلود و آمیخته با غبار حاکم
در تصویر، مرا مجذوب می‌کند. همه جا را دود
فرا گرفته و از دل آن پسرکی رشید خودنمایی می‌کند.
چشم‌هایش غمگین است و چفیه ای سفید و سیاه
بقیه صورتش را پوشانده است. نگاهم را از لباس‌های
خاکی و پاره‌اش می‌گذرانم و به انگشت‌های گره کرده
دستش می‌نگرم که خون از آن می‌چکد. تکه سنگی
را فشار می‌دهد. شانه‌هایش بی‌رمق است، اما
دو انگشتش را به نشانه پیروزی بر فراز سرش بالا برده.
دیگر چیزی جز رنجی مقدس و امیدی لا یتناهی در قاب
مستطیلی عکس دیده نمی‌شود.

به روزهای دفاع از قدس فکر می‌کنم، به شب‌هایی که ترس، مجال استراحت نمی‌داد و «خانه» معنایی مجازی داشت. راهی را از میان انبوه بازدیدکنندگان موزه دفاع قدس پیدا می‌کنم و از در اصلی خارج می‌شوم. بوی زیتون به مشامم می‌رسد و از سمت بیت المقدس صدای اذان می‌آید ...

سواد رسانه‌ای

آغازگران جنگ، پیشتازان صلح

رویکرد رسانه‌های غربی در مساله فلسطین

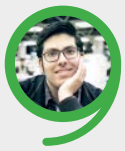

علیرضا مقتدایی
مدال‌آور المپیاد
سواد رسانه‌ای

حدود ۷۲ سال پیش، آغاز هجوم شوم عده‌ای منحوس به خاکی عاری از ناپاکی و پلیدی بود. خبرگزاری‌های بین‌المللی که رسالتشان دستیابی به منافع صاحبان قدرتمند و ثروتمندشان است، در همسویی با سیاست رژیم صهیونیستی، در گام اول و در یک روند تدریجی مساله فلسطین و اسرائیل را که در حقیقت منازعه مهم و بنیانی بین دو عقیده اسلام با یهود صهیونیستی بود، به یک موضوع قومی و نژادی تقلیل دادند و در بازنمایی اخبارشان، عرب را به جای اسلام و قوم به ظاهر مظلوم یهود را سرپوشی بر صهیونیسم قرار دادند.

نتیجه این سیاست خبری، کاشت بذر اختلاف بین کشورهای مسلمان منطقه بود که آرام آرام آنها توسط خودشان از مبارزه خارج شدند، چرا که حس پوچ نژادپرستی عربی و این‌که «مسأله فلسطین یک موضوع مربوط به قوم عرب است و به غیر عرب مرتبط نیست» جای این عقیده را گرفت که «مسلمانان با یکدیگر برادرند و فرقی بین نژاد و ملیت ها نیست.»

سیاست بعدی رسانه‌های بین‌المللی، سیاست تروریست خواندن مبارزان فلسطینی بود. مظلومان فلسطینی که طی نیم قرن اخیر حدود ۲۸۰۰۰ خانه و واحدهای مسکونی‌شان تخریب و به شهرک‌های یهودی‌نشین جایگزین شده بود وقتی برای احقاق حق غصب شده‌ای که هیچ نهاد حقوق بشری هم به این مسأله نپرداخت، خود به مبارزه پرداختند، نه تنها توسط سربازان رژیم اسرائیل به شهادت رسیدند بلکه توسط رسانه‌های بین‌المللی هم ترور هویت و شخصیت شدند. جالب اینجاست که حدود ۲۵۰۰ نفر از این به اصطلاح تروریست‌ها کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۸ ساله سنگ به دست بودند. سیاست خبری مهم بعدی که طی ۲۰ سال اخیر حکم فرماست، تغییر دادن جریان از مبارزه مقدس به یک صلح و سازش ذلت‌بار بود. نهادهای حقوق بشری که طی این ۷۲ سال هیچ اقدام خاصی در دفاع از مردم مظلوم فلسطین نکردند، این بار با همکاری رسانه‌ها، دست به یک مانور رسانه‌ای برای بی‌نتیجه نشان دادن مبارزه فلسطین و اسرائیل زدند و در این زمینه از پیشنهاد صلح آمریکا و اسرائیل برای جنگ ناحقی که خود شروع کرده بودند، حمایت کردند و تا الان با یک فشار روانی بر افکار عمومی، فلسطین را محکوم به جنگ‌طلبی و مخالف با صلح دانستند.

حال باید منتظر بمانیم تا در آینده‌ای نزدیک، ملت‌های مسلمان منطقه با یکدیگر متحد شوند و بدون هراس از جریان‌سازی‌های پوچ رسانه‌های غربی، با حرفی واحد و آرمانی مشترک به مبارزه با این غده سرطانی منحوس بپردازند و یک‌بار برای همیشه شر آن را از این کره خاکی کم کنند.

شب آبستن است تا چه زاید سحر...